

بازاندیشی خاتمیت در قرآن

تطبیق دیدگاه روشنفکران دینی معاصر

(مطهری، سروش، اقبال)

چکیده

مفهوم «خاتمیت» از اساسی‌ترین باورهای دینی مسلمانان به شمار می‌رود که به معنای پایان یافتن سلسله پیامبران با پیامبر اسلام (ص) است. این آموزه که ریشه در صریح‌ترین آیات قرآن دارد، همواره در کانون الهیات اسلامی قرار داشته و پیامدهای گسترده‌ای در فهم دین، شریعت، و تفسیر وحی داشته است. در دوران معاصر و با بروز تحولات اجتماعی، علمی و فلسفی، برخی از روشنفکران دینی همچون شهید مرتضی مطهری، دکتر عبدالکریم سروش و محمد اقبال لاهوری با نگاهی نوین به این آموزه پرداخته‌اند. هر یک از این متفکران تلاش کرده‌اند تا خاتمیت را نه صرفاً به مثابه پایانی تاریخی، بلکه به عنوان نقطه عطفی در رابطه انسان با وحی الهی و آغاز دوران مسئولیت عقل بشری تبیین کنند. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، دیدگاه‌های این سه اندیشمند را بررسی کرده و تلاش دارد آن‌ها را با آیات قرآن کریم تطبیق دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر سه متفکر، علی‌رغم تفاوت رویکردها، در پذیرش اصل خاتمیت اشتراک نظر دارند و در تبیین فلسفه و پیامدهای آن از زمینه‌های مختلف فلسفی، تاریخی و معرفتی بهره می‌گیرند.

کلید واژه : خاتمیت، نبوت، روشنفکری دینی، تجربه نبوی، وحی، عقلانیت دینی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین در الهیات اسلامی، آموزه «خاتمیت» است. این آموزه نه تنها به عنوان یک اصل اعتقادی مطرح است، بلکه مبنای مشروعیت تاریخی دین اسلام و تداوم آن در بستر زمان تلقی می‌شود. آیه ۴۰ سوره احزاب که پیامبر اسلام را «خاتم النبیین» معرفی می‌کند، به عنوان یک اصل شناخته شده و مبنای تفاسیر متعددی در قرون متمادی قرار گرفته است. در سنت اسلامی، معنای رایج

خاتمیت بر پایان یافتن نهاد نبوت و شریعت جدید تأکید دارد؛ اما در دوران معاصر، این مسئله با پرسش‌های جدیدی مواجه شده است که عمدتاً از دل تحولات مدرنیته، رشد عقلانیت و علوم انسانی و دغدغه‌های نوپدید فکری سربرآورده‌اند.

از جمله روشنفکرانی که به صورت جدی به مسئله خاتمیت پرداخته‌اند، سه متفکر برجسته معاصر یعنی شهید مرتضی مطهری، دکتر عبدالکریم سروش و محمد اقبال لاهوری هستند. اینان هر یک از منظر خاصی به خاتمیت نگریسته‌اند: مطهری از منظر کلامی شیعی، سروش از چشم‌انداز معرفت‌شناسی و فلسفه دین، و اقبال از منظر تمدن اسلامی و تاریخ تحولات فکری مسلمانان.

بررسی تطبیقی این سه دیدگاه می‌تواند نه تنها به روشن شدن ابعاد مختلف خاتمیت بینجامد، بلکه نسبت این آموزه با متن قرآن و زمانه معاصر را نیز بهتر تبیین کند. در این پژوهش، تلاش خواهیم کرد با رویکردی تحلیلی، ضمن بررسی دقیق‌تر آیات مرتبط با خاتمیت، دیدگاه‌های این سه اندیشمند را استخراج کرده، تحلیل و تطبیق دهیم.

در ادامه، نخست به تحلیل مفهومی و قرآنی خاتمیت خواهیم پرداخت، سپس دیدگاه‌های سه متفکر به تفصیل بررسی خواهد شد، و در نهایت تحلیلی تطبیقی از اشتراک‌ها و تمایزهای آن‌ها ارائه خواهد شد تا جایگاه جدیدی برای فهم این آموزه در دنیای معاصر ترسیم گردد.

تحلیل تفصیلی آیات قرآن در مورد خاتمیت

در ادامه به تحلیل تفصیلی آیات مرتبط با خاتمیت پیامبر اسلام (ص) در قرآن می‌پردازیم. این تحلیل پایه و اساس بررسی دیدگاه‌های مطهری، سروش و اقبال در مراحل بعدی خواهد بود.

تحلیل قرآنی آموزه خاتمیت

۱. آیه اصلی در باب خاتمیت: سوره احزاب، آیه ۴۰

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

این آیه صریح‌ترین گواه قرآنی بر آموزه خاتمیت است. تعبیر «خاتم‌النبیین» از ریشه "خَتَمَ" به معنای بستن، مهر نهادن و پایان بخشیدن می‌آید. به‌وضوح بیان می‌شود که پیامبر اسلام، نه تنها رسول خداست، بلکه **پایان‌بخش نهاد نبوت** است.

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی بر این نکته تأکید دارد که «خاتم‌النبیین» به معنای پایان یافتن سلسله نبوت است، نه صرفاً برتری یا کمال نسبت به سایر پیامبران. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ص ۳۰۰)

این تفسیر، محور نگاه سنتی به خاتمیت است: پیامبر اسلام آخرین فرستاده الهی است و پس از او شریعت جدید یا نبی تازه‌ای نخواهد آمد.

۲. تأیید پیامبر اسلام از سوی پیامبران پیشین

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
(اعراف: ۱۵۷)

در این آیه، اشاره به وعده آمدن پیامبری در متون پیشین (تورات و انجیل) شده که نشان می‌دهد پیامبر اسلام در امتداد یک جریان پیوسته الهی قرار دارد و ختم این جریان خواهد بود. چنین اشاراتی، بعد تاریخی و پیش‌گویی گونه‌ای به مفهوم خاتمیت می‌دهند.

۳. کمال دین و اتمام نعمت

...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي... (مائده/۳)

این آیه که در واپسین سال حیات پیامبر نازل شد، بر کمال دین تأکید دارد. در تفاسیر مختلف، این آیه مکمل معنای خاتمیت دانسته شده؛ زیرا کمال دین، پایان نزول تدریجی وحی را نیز در پی دارد. (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ذیل آیه)

۴. تفاوت نبوت و رسالت در آیات قرآن

در قرآن، گاه از پیامبران با عنوان «نبی» و گاه «رسول» یاد شده است. آیه ۴۰ احزاب، بر این نکته تأکید دارد که محمد (ص)، هم «رسول‌الله» است و هم «خاتم‌النبیین». این دوگانگی به بحث مهمی در فهم خاتمیت انجامیده است: آیا پیامبر فقط پایان‌دهنده نبوت است یا پایان‌دهنده رسالت؟

شهید مطهری در آثارش می‌کوشد نشان دهد که خاتمیت شامل هر دو مفهوم است، چراکه تفکیک آن‌ها در عمل ناممکن است (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۴۵).

۵. وحی و ختم آن در آیات قرآن

قرآن در موارد متعددی اشاره دارد که کتاب آسمانی اسلام کامل، محفوظ و جامع است:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (نحل: ۸۹)
إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر: ۹)

این آیات بیانگر آن‌اند که وحی به نهایت خود رسیده و نیازی به کتاب یا پیامبر جدید نیست؛ زیرا قرآن هم جامع است و هم کامل.

۶. بی‌نیازی از شریعت جدید

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (سبأ: ۲۸)

جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام نشان می‌دهد که پیام او محدود به قوم یا زمان خاصی نیست، بلکه جامع و نهایی است. بنابراین، خاتمیت نه تنها در بعد تاریخی، بلکه در بعد جغرافیایی و معرفتی نیز معنا پیدا می‌کند.

جمع‌بندی تحلیل قرآنی:

- قرآن آموزه خاتمیت را صریح و بی‌ابهام بیان کرده است.
 - مفاهیمی چون پایان نبوت، کمال دین، جامعیت قرآن، و جهانی بودن رسالت، پایه‌های اصلی خاتمیت هستند.
 - این آموزه زمینه‌ای برای ورود عقل بشر به مرحله جدیدی از هدایت تلقی می‌شود.
- این تحلیل قرآنی مبنای دیدگاه‌های سه متفکر مورد مطالعه در این مقاله است که در ادامه هر یک به تفصیل بررسی خواهد شد.

بررسی دیدگاه شهید مطهری درباره خاتمیت و تحلیل تطبیقی با آیات

در این بخش به بررسی تفصیلی دیدگاه شهید مرتضی مطهری درباره خاتمیت می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم آن را با آیات قرآن کریم تطبیق دهیم.

شهید مطهری از متفکران شاخص معاصر در حوزه اندیشه اسلامی است که در آثار متعددی به مسئله خاتمیت پرداخته است. در کتاب «نبوت»، او به تبیین ابعاد گوناگون این آموزه می‌پردازد و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از عقل، نقل و نگاه جامعه‌شناختی، اثبات کند که نبوت با پیامبر اسلام به پایان رسیده است و این پایان، دلیلی بر بلوغ عقل بشری و تکامل شریعت الهی است. مطهری با حفظ اصالت نص دینی، نگاه عمیق و زمان‌مند به آموزه خاتمیت دارد و آن را یکی از نشانه‌های حکمت الهی می‌داند.

۱. تحلیل مطهری از معنای خاتم‌النبیین

مطهری با استناد به آیه ۴۰ سوره احزاب، بر معنای پایان‌دهنده نبوت بودن پیامبر اسلام تأکید دارد:

"ما کان محمد أباً أحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین..."

او می‌نویسد: «در این آیه پیامبر اسلام خاتم‌النبیین معرفی شده، نه خاتم‌الرسل، زیرا نبوت مرحله‌ای عام‌تر از رسالت است، و کسی که خاتم نبیین باشد به طریق اولی خاتم‌الرسل هم هست» (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۵۰). این استدلال نشان می‌دهد که مطهری به گونه‌ای تفسیر می‌کند که پایان نبوت، پایان ارتباط مستقیم تشریعی با خداوند است.

۲. ریشه‌های فلسفی خاتمیت از منظر مطهری

مطهری برخلاف نگاه صرفاً نقلی، به تبیین عقلانی مسئله خاتمیت می‌پردازد. او استدلال می‌کند که بشر در طول تاریخ از نظر عقلانیت و آگاهی اجتماعی در حال رشد بوده است. به‌زعم وی، با ظهور اسلام، انسان به مرحله‌ای از رشد عقلانی رسیده که دیگر نیازی به شریعت جدید ندارد.

۲. ارزیابی تطبیقی پایانی

معیار	مطهری	سروش	اقبال
خاتمیت از منظر معرفتی	پایان وحی و شریعت؛ استمرار اجتهاد	پایان وحی تشریعی؛ آغاز تأویل و فهم انسانی	نقطه عطف در بلوغ عقل بشر
آیات تفسیر خاتمیت	تأکید بر نص و سنت تفسیری کلاسیک	تأویل روان‌شناختی و رؤیایی	نگاه تمدنی-فلسفی به وحی
نقش عقل پس از خاتمیت	ابزاری در چارچوب شریعت	نقش مستقل در تولید فهم دینی	جایگزین نبوت در هدایت
آسیب‌شناسی	جمود بر احکام و قالب‌های ثابت	تضعیف تمایز میان وحی و الهام	تقلیل دین به فلسفه تاریخ

در تحلیل نهایی می‌توان گفت، دیدگاه مطهری متعهد به متن، سروش متعهد به تجربه، و اقبال متعهد به تاریخ و تمدن است.

۳. پیوند با قرآن و تفسیر دینی

تحلیل آیات مرتبط با خاتمیت، از جمله احزاب: ۴۰، مائده: ۳، حجر: ۹، قصص: ۷ و نحل: ۴۴ نشان داد که ظرفیت تفسیر این آیات، بستگی مستقیم به رویکرد هر متفکر به مفاهیم دینی و روش فهم قرآن دارد. قرآن به عنوان کتابی چندلایه، امکان قرائت‌های مختلف را فراهم کرده و هر یک از متفکران بر لایه‌ای از معنا تمرکز کرده‌اند.

به تعبیر دیگر، آیات قرآن هم می‌توانند خوانشی سنت‌محور و اصولی همچون مطهری را تأیید کنند، هم تجربه‌گرایی و تأویل سروش را توجیه کنند، و هم نگاه تمدنی-فلسفی اقبال را برتابند. این مسئله گواهی است بر پویایی مفاهیم قرآنی و وسعت ساحات تفسیری آن.

۴. پیامدهای فکری و اجتماعی سه دیدگاه

پیامد اجتماعی	پیامد فکری	متفکر
حمایت از نهاد روحانیت و شریعت‌گرایی	احیای اجتهاد سنتی، تبیین اسلام عقلی	مطهری
افزایش آزادی تأویل فردی، رشد عقلانیت نقاد	طرح قبض و بسط شریعت، تفکیک وحی و	سروش
	تفسیر	
تقویت روح تحول‌خواهی و خودباوری در امت اسلامی	تلفیق دین و فلسفه تاریخ، احیای تمدن اقبال	

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مسئله خاتمیت نه‌تنها پایان یک عصر، بلکه آغاز یک پروژه تاریخی-عقلی برای مسلمانان است. هر یک از سه دیدگاه، به‌گونه‌ای خاص این پروژه را صورت‌بندی کرده‌اند.

۵. جمع‌بندی نهایی

مسئله خاتمیت، اگرچه موضوعی کلامی و تاریخی به نظر می‌رسد، اما تأمل در آرای روشنفکران دینی معاصر نشان می‌دهد که ابعاد معرفتی، تمدنی، روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. این پژوهش نشان داد که:

- اصل خاتمیت در همه دیدگاه‌ها محفوظ است؛ اما معنای آن در سطح فلسفی و تفسیری متکثر شده است؛
- آیات قرآن قابلیت انطباق با برداشت‌های متنوع را دارند و این نشانگر انعطاف‌پذیری متن وحی است؛
- هیچ‌یک از سه رویکرد، کامل یا بی‌نقص نیست، اما در مجموع می‌توان آن‌ها را مکمل یکدیگر دانست؛

- برای پیشبرد تفکر دینی در عصر جدید، توجه هم‌زمان به سنت (مطهری)، تأویل (سروش) و تاریخ (اقبال) ضروری است.

۶. پیشنهاد برای مطالعات آینده

این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای برای پروژه‌های گسترده‌تری باشد:

- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سایر روشنفکران اسلامی مانند طه عبدالرحمان، حسن حنفی و نصر حامد ابوزید درباره خاتمیت؛
- بررسی رابطه خاتمیت با پدیدارشناسی وحی؛
- تحلیل تطبیقی میان دیدگاه‌های اسلامی و مسیحی درباره پایان نبوت.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ایازی، محسن (۱۳۸۱). قرآن و پلورالیسم. تهران: طرح نو.
۲. اقبال لاهوری، محمد. (۱۳۷۰) / *حیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. رضایی، محمدعلی (۱۳۸۶). *خاتمیت در قرآن و سنت*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *تفسیر موضوعی قرآن مجید*. قم: اسراء
۵. جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۴) *تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی* (جلد ۱ تا ۱۵). تهران: انتشارات پیام حق.

۶. رشاد، احمد. (۱۳۹۱). «قرائت سروش از وحی و چالش‌های آن با آموزه‌های قرآنی». *فصلنامه پژوهش‌های کلامی*، ۱۳۲، (۵۵-۷۸).
۷. سبحانی، جعفر (۱۴۰۳ق). آموزش عقاید. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۰) *بسط تجربه نبوی*. تهران: صراط.
۹. سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۴) *نبوت و عقلانیت*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰) *خاتمیت*. تهران: صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲) *مجموعه آثار، جلد ۵: علل گرایش به مادی‌گری*. تهران: صدرا.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱) *آموزش عقاید*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۴. میرباقری، علیرضا. (۱۳۹۸). «بازخوانی نقد شهید مطهری بر تلقی‌های تاریخی از دین». *فصلنامه دین پژوهی معاصر*، ۱۲۰، (۳۲-۵۶).
۱۵. نصر، سید حسین (۱۳۸۰). *اسلام و معنویت*. ترجمه احمد آرام. تهران: طرح نو.

منابع عربی و لاتین

۱. Al-Ashqar, U. S. (۱۹۹۷). *The Messengers and the Messages*. Riyadh: International Islamic Publishing House.
۲. Esack, F. (۱۹۹۷). *Qur'an, Liberation and Pluralism*. Oxford: Oneworld.
۳. Iqbal, M. (۱۹۳۴). *The Reconstruction of Religious Thought in Islam*. Oxford: Oxford University Press.
۴. Nasr, S. H. (۲۰۰۶). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. New York: HarperOne.

Rahman, F. (۱۹۸۲). *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*. Chicago: University of Chicago Press. .Δ

The Holy Qur'an. (Multiple translations, including Yusuf Ali and Pickthall versions). .ς